



پرونده بدهی‌های حاج محمد تقی بنکدار

حسن مرسلوند

استفاده کرد و در آن روز که مشروطه طلبیان تهران را فتح کردند، به سفارت روس پناهنده شد.

و اما انتقاد دوم مخالفان از مشروطه طلبان، که تهمتی هم بود، پذیرایی پر هزینه مشروطه طلبان از بست نشینان بود. مخالفان معتقد بودند که مشروطه از دیگ پلوی سفارت انگلستان بیرون آمد و مخارج متحصنین را دولت انگلیس پرداخت. این اتهام به قدری جدی شد که بعدها برخی از مشروطه خواهان را نیز در تردید قرار داد؛ به طوری که حاج میرزا یحیی دولت آبادی، مشروطه خواه سرشناس در خاطرات خود نوشت:

«... حاجی محمد تقی و حاج محمد حسن معروف به بنکدار که در ایام توقف آقایان در حضرت عبدالعظیم باز همین دو نفر نظار و وکیل خرج بوده، طوری اداره را بزرگ گرفته بودند که اگر بیست هزار نفر هم آنجا جمع می‌شد،

مهاجرت روحانیون مشروطه خواه به قم به وقوع پیوست. و طی آن هزاران نفر از مردم تهران بازارها و کسب و کارشان را تعطیل کردند و به سفارتخانه پناهنده شدند و سرانجام با صدور فرمان مشروطیت در روز یکشنبه سیزدهم مرداد همان سال از سوی مظفرالدین شاه قاجار، این تحصن خاتمه یافت. این تحصن که مجموعاً هجده روز به طول انجامید، بعدها از دو جنبه مورد انتقاد و اعتراض مخالفان مشروطیت قرار گرفت، یکی از جنبه سیاسی و دیگر از جنبه مالی.

مخالفان، پناهنده شدن به سفارت بیگانه را برای ایرانیان ننگ می‌شمردند و از این جهت بعید نمی‌دانستند که جنبش مشروطیت بازی سیاسی بیگانگان باشد. در مقابل، مشروطه خواهان استدلال می‌کردند که چون جان و مال خود و خانواده‌شان از دست حکومت در امان نبود دست به این اقدام زده‌اند.

البته بعدها، سر کرده مخالفان، یعنی محمد علی شاه قاجار، خود از این شیوه

جنبش مشروطه خواهی رویداد بزرگی در تاریخ ایران است که هنوز هم بسیاری از حوادث آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. هم هواخواهان و هم بدگویان مشروطه تاکنون سخنان بسیاری پیرامون جزئیات تاریخ مشروطه گفته و نوشته‌اند، ولی چنین به نظر می‌رسد که هر دو دسته چندان نکوشیده‌اند که گفته‌های خود را بر اساس اسناد رسمی و دولتی مستند کنند.

یکی از رویدادهای مهم دوره مشروطه که هنوز هم مایه اختلاف بین مخالفان و موافقان مشروطه است، ماجرای تحصن مشروطه طلبان در سفارت انگلستان و چگونگی تهیه امکانات مالی این تحصن است. می‌دانیم که تأمین هزینه‌های مالی این تحصن را حاج محمد تقی بنکدار و برادرش حاجی محمد حسن بنکدار بر عهده داشتند. آنان هر دو از بازرگانان نیک نام و معتبر تهران و مشروطه خواه بودند. این تحصن در پنجشنبه بیست و هفتم تیرماه ۱۲۸۵ خورشیدی به دنبال

می توانستند از عهده خرج آنها برآیند. بدیهی است این خرج گزاف محل معین و قابل لازم دارد، عجالتاً که آن محل به نگارنده مجهول است بعد از این اگر معلوم شد خواهم نوشت بعضی معتقدند که دست سیاست خارجی کمکهای مادی هم می نماید، تا چه اندازه صحیح باشد.»^۱

البته دولت آبادی بعدها به این نتیجه رسید که «تحقیقات بعد به نگارنده محقق داشت که هیچ گونه کمک مادی از خارج نمی شده است و قسمت عمده این مخارج را رؤسا و تجار طرفداران و کارکنان امین السلطان می داده اند برای برسر کار آوردن او و شاید از پول خود امین السلطان هم بوده است. دیگران هم به مقاصد مختلف کمکهایی می کرده اند.»^۲ ولی دولت آبادی ننوشته است که بر اساس چه مدارک و اسنادی نظر خود را تغییر داده است امکان کمک مالی خارجی را رد می کند و نمی گوید که منبع تحقیقات بعدی او کدام است. برخی از هواداران مشروطه هم تلاش کرده اند که منبع مالی متحصنین را ناشناخته جلوه دهند. ناظم الاسلام می نویسد:

«یک نفر زن ناشناس آمد درب سفارتخانه و حاجی محمد تقی را طلب نمود و یک دسته اسکناس داد به او و گفت: این پول را خرج متحصنین کن. حاجی محمد تقی پول را گرفت و آنچه کرد آن زن را بشناسد و بداند کی است و از کجاست، آن زن خود را معرفی نمود و قبضی هم نگرفت.»^۳

آنچه در بالا آمد، گزارشی از شک و تردید دوستان مشروطه بود؛ اما مخالفان مشروطه، منبع مالی مهاجرت علما به حضرت عبدالعظیم و تحصن مشروطه طلبان در سفارت انگلستان، هر دو را بی شک و تردید از طرف سفارت انگلستان و بعضی عوامل سیاست داخلی می دانند:

«... بازار تعطیل شد و گروهی از

طلاب نیز به حضرت عبدالعظیم رفتند، هر روز بر تعداد متحصنان افزوده می شد و نطق و خطابه های مهیج و پرشور مردم ناراضی را به ضد دولت تحریک می کرد. مخالفان عین الدوله برای تهیه مخارج این جمعیت کمک می کردند، پولهایی هم به وسیله عمال اتابک و سالارالدوله و مشیرالدوله و رکن الدوله می رسید، از طرف سفارت انگلستان هم محرمانه کمک می شد. بیشتر این پولها زیر نظر حاج محمد تقی و حاج حسن بنکدار به مصرف می رسید، و مقداری هم مستقیماً بین آقایان قسمت می شد.»^۴

و باز همین مورخ مخالف مشروطه در جایی دیگر می نویسد:

«... مخالفان عین الدوله و ایادی اتابک و ظل السلطان و سالارالدوله خرج اقامت چند هزار نفر متحصن را می دادند. سفارت انگلیس هم محرمانه پولهایی برای کمک به این نهضت می داد. بازرگانان هم مبالغی می پرداختند، گرچه ظاهر قضیه این طور شهرت داشت که حاج محمد تقی و حاج محمد حسن و بازاریها تمام مخارج را می دهند، اما باطن کار این بود که پولهای مختلف زیر نظر حاج محمد تقی و برادرش مصرف می شد، و مبالغی هم به جیب آنها و بعضی از آقا زادگان و اهل منبر می رفت.»^۵

و اما حقیقت ماجرا چیست؟ بالاخره مخارج هنگفت دیگ پلوی متحصنین در سفارت انگلستان از کجا تأمین شد؟ آیا گفته های ناظم الاسلام کرمانی را باور کنیم که می گوید:

«... روز سه شنبه هفتم رجب ۱۳۲۴ حاج محمد تقی و حاج حسن مطالبه خرج این مدت تحصن را نموده مدعی بودند که سی و دو هزار تومان از خود خرج کردیم. تجار صورت خواسته تا هیجده هزار تومان صورت

دادند. لذا تجار گفتند بیست هزار تومان شما تنها خرج کردید. از خارج هم خبر داریم که به شما معاونتی شده است. حاج محمد تقی و برادرش مدعی بودند که ما سی و دو هزار تومان پول داشته و اینک دیگر چیزی در دست نداریم. باری آقایان از تجار خواهش نمودند که آنچه می گویند به آنها بدهید. حضرات تجار صورتی نوشته و پولی روی هم تقسیم کردند، از قرار صورت ذیل گرفته شده و به آنها دادند: صورت اشخاصی که پول دادند به حاج محمد تقی برای آنچه که در سفارتخانه خرج شده بود: حاج حسین آقا امین الضرب؛ حاج معین بوشهری؛ حاج محمد اسماعیل آقا مغازه؛ آقا میرزا محمود اصفهانی؛ ارباب جمشید. باری پول حاج محمد تقی و حاج محمد حسن را که در سفارتخانه خرج کرده بودند بر حسب خواهش آقایان جمع آوری نموده و دادند.»^۶

و یا سخنان عبدالله بهرامی را قبول کنیم که مدعی است از قول خود حاجی محمد تقی بنکدار نقل کرده است:

«... این ترتیب چند روزی دوام داشت و من دیدم که وضعیت ما چندان خوب نیست و وجهی در اختیار ما نمی باشد. تمام مخارج را که نمی شود با نسیه تهیه کرد، باید قیمت اجناس مردم را داد، قضیه را بدون رو در بایستی به حاجی [امین الضرب] گفتم. او جواب داد از این بابت واهمه نداشته باشید، فردا بروید به بانک شاهنشاهی، من دستور می دهم که برای شما اعتبار باز کنند. از این حرف باطناً خیلی خوشوقت شدم زیرا که می ترسیدم مال مردم بیچاره را این طور خرج کرده و در آخر نتوانم مساعده آنها را رد کنم.

صبح زود رفتم به بانک. به توسط منشی به رئیس پیغام دادم. بدون معطلی مرا به اطاقش خواست و گفت


حاجی هر چقدر پول می خواهی رسید بنویس بروید از صندوق دریافت کنید. معلوم شد که ما اعتبار آزاد داریم. من در آن روز یک رسید پنج هزار تومانی نوشته و دریافت کردم. از این به بعد هم تا بساطت تحصن دوام داشت، همین طور مرتباً پول می گرفتم تا هیجده هزار تومان مطابق قبض شخصی به بانک مقروض شدم. ^۷

۳۱
۱۳۲۹
۲۸
۵

عبدالله بهرامی در پایان می نویسد:
« از حاجی [بنکدار] پرسیدم بالاخره تکلیف هیجده هزار تومان که از بانک گرفته بود چه شد؟ گفت: هیچ، دو یا سه ماه بعد از این وقایع من رفتم نزد رئیس بانک گفتم که اجازه بدهید که قبوض مرا مسترد نمایند. رئیس بانک جواب داد که حاجی نمی خواهید از این مبلغی که به شما قرض داده ایم، اقلاً یک قسمتش را مسترد دارید؟ جواب دادم خیر، ما هم مهمان سفارت بودیم، این پولهایی را که از شما گرفتم تمام خرج برنج و روغن و نخود و غیره شد، یک دینار آن از سفارت بیرون نرفته است. رئیس از این حرف من خیلی خندید و دستور داد که رسیده را مهر باطله بزنند. ^۸

عبدالله بهرامی تلاش دارد که بگوید بانک شاهنشاهی که در آن هنگام با سرمایه انگلستان در ایران مشغول به کار بود، بدهی های حاجی محمدتقی بنکدار را بخشید، و در حقیقت می خواهد منبع مالی متحصنین را بانک شاهنشاهی و در واقع دولت انگلستان معرفی کند. و نکته جالبتر اینکه اصرار دارد که این سخنان را خود از دهان حاجی محمدتقی بنکدار مستقیماً شنیده است.

با یک نگاه به نظرات مخالفان و موافقان مشروطه در می یابیم که چه اختلاف نظر عجیبی بین همه آنان درباره منبع مالی تحصن در سفارت انگلستان وجود دارد و کمتر می توان دو نفر را پیدا کرد که نظرشان نزدیک به هم باشد.


British Legation,
Canton.

بند اولی و کلیه بدهی های
بند اولی و کلیه بدهی های
بند اولی و کلیه بدهی های

۲۷۲۶	۲۵۳۵	۲۴۲۶
بند اولی و کلیه بدهی های	بند اولی و کلیه بدهی های	بند اولی و کلیه بدهی های

۲۷۱۶
۲۷۱۷

بند اولی و کلیه بدهی های
بند اولی و کلیه بدهی های
بند اولی و کلیه بدهی های

Handwritten signature and notes in Persian script.

در بخشی از اسناد وزارت امور خارجه که تحت شماره ۳۸ - ۹۱۰۰۴ در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می شود، مدارکی چند پیرامون وضعیت مالی حاج محمدتقی بنکدار و بدهیهای او به بانکها و اتباع خارجی موجود است که معرفی آنها شاید از لحاظ روشنتر شدن پاره از این مسائل مفید افتد.

اولین سند، که تاریخ ۱۷ جمادی الآخر ۱۳۲۸ قمری را دارد، گویای آن است که بانک شاهنشاهی، یک سال پس از آنکه مشروطه خواهان، تهران را فتح کردند حاج محمدتقی بنکدار را برای پرداخت بدهیهای هنگفت خود به این بانک زیر فشار قرار داده و حاجی از نظر وضعیت مالی در شرایطی قرار دارد که می گوید: «جهت خرجی یومیة خود معطلم.» حاجی بنکدار در این نامه به رئیس اداره محاکمات و زرات خارجه پیشنهاد می کند که بانک یا مهلتی برای پرداخت بدهی به او بدهد و یا خانه او را در یزد در عوض بدهی تصرف کند. در حاشیة نامه نوشته شده که با دادن چند ماه مهلت به حاجی موافقت می شود. [سند شماره ۱]

سند بعدی، که تاریخ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۲۸ را دارد، نامه رئیس بانک شاهنشاهی است به وزیر امور خارجه ایران که در آن نامه، بدهی حاج محمدتقی به بانک مزبور سه هزار و سیصد و پنجاه و یک تومان و سه هزار و یک شاهی قید شده است و طی آن از وزیر امور خارجه تقاضا شده است که نسبت به اخذ طلب بانک از حاجی اقدام نماید. [سند شماره ۲].

درگیری حاجی محمدتقی با بانک شاهنشاهی ماهها ادامه داشت تا اینکه وزارت امور خارجه از حاکم یزد خواست تا خانه حاجی را قیمت گذاری و پس از فروش، بدهی بانک را پرداخت کند. [سند شماره ۳].

نمونه بعدی، بدهی حاج محمدتقی به اشخاص است. در پنجم صفر ۱۳۳۱ شخصی به نام مشهدی محمدحسین کرمی

دو حضور طلبی بکنکداران در این امر فرزند خود
مروارذ کشته با این وضع مملو در این صورت خود به پادشاهی

در بازار مزبوره در این امر ۵۵۰۰ در این وقت بکلیه بکنکداران
صدم داده بر وجه خود در این سند است در این وقت بکنکداران

در این وقت بکنکداران در این وقت بکنکداران
بنام خود در این وقت بکنکداران

بنام خود در این وقت بکنکداران
بنام خود در این وقت بکنکداران

بنام خود در این وقت بکنکداران
بنام خود در این وقت بکنکداران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میرزا محسن صدرالعلما به وزارت خارجه. او در این نامه ضمن شفاعت از حاجی محمدتقی، می نویسد که شخصی به نام مشهدی حسین ترک که مدعی تبعیت دولت انگلستان است برای وصول طلب خود پلیس به بازار برده و حاجی را سخت تحت فشار قرار داده است. او ضمن ابراز حیرت و شگفتی از این واقعه می نویسد: «... مگر اینکه غیر از ایصال طلب مقصود دیگری هم داشته باشند...» او از قول حاجی بنکدار پیشنهاد می کند که یا سه ماه مهلت برای باز پرداخت بدهی بدهند و یا خانه مسکونی حاجی

تبعه انگلستان از حاجی به اداره محاکمات و زرات خارجه شکایت می کند و مدعی می شود که مبلغ یکهزار و دوست تومان از حاجی طلبکار است و محکمه حکم به احضار حاجی می نماید [سند شماره ۴].

سند بعدی، تعهدنامه حاجی بنکدار است مبنی بر پرداخت بدهیهای خود به بازرگان فرانسوی. حاجی طی این سند متعهد می شود که بدهیهای خود را در وجه سفارت فرانسه در ایران کارسازی نماید [سند شماره ۵]

سند بعدی نامه شفاعت آمیزی است از

محمد تقی را تصرف نمایند. ظاهراً این پیشنهاد مورد موافقت اولیای وزارت امور خارجه قرار گرفته و در حاشیه نامه توصیه شده که اداره محاکمات یکی از این دو راه را بپذیرد. [سند شماره ۶]

سند بعدی نیز گویای بدهی حاجی محمد تقی است به کمپانی انگلیسی لاروسل به مبلغ چهارصد و هفتاد و شش لیره انگلیسی و هفده شیلینگ و هفت پنس و مبلغ دوازده هزار و چهارصد و نود فرانک و شصت سانتیم. در این نامه سفارت انگلستان از اداره محاکمات وزارت خارجه تقاضا کرده است نسبت به احضار حاجی بنکدار اقدام نماید [سند شماره ۷]. البته در پرونده بدهیهای حاجی محمد تقی بنکدار اسناد دیگری هم هست که با موضوع این مقاله ارتباطی ندارد. در پایان این گفتار سرنوشت حاجی محمد تقی را پس از تحصن در سفارت انگلیس دنبال کنیم: پس از صدور فرمان مشروطیت و به هنگام تشکیل اولین دوزة مجلس شورای ملی، به نمایندگی صنف بزاز برگزیده و راهی مجلس شد. در روز واقعه به توپ بستن مجلس و کودتای محمد علی شاه علیه مشروطیت و مجلس، او با خشونت دستگیر و راهی باغشاه شد.

«صبح در موقع شلیک توپ، حاجی محمد تقی بنکدار درب خانه حاجی سقاباشی آنجا می‌رسد و بعضی‌ها او را می‌شناسند و او را در خانه حاج سقا باشی پناه می‌دهند و در آنجا ملتجی و پنهان می‌شود. آقا سید کاظم پیشنماز خبر می‌شود، می‌آید قزاقها را خبر می‌کند که حاجی محمد تقی در فلان نقطه است. می‌آیند از خانه بیرونش می‌آورند. آقا سید کاظم نامرد با لنگه کفش این قدر به دهن پیره مرد می‌زند و فحش می‌دهد که چه عرض کنم. می‌گوید فلان فلان شده در سفارت ناظر می‌شوی و پلو می‌دهی؟ و سیصد تومان هم اسکناس در بغلش بوده می‌برند و کتش را می‌بندند و می‌برند.»^{۱۱}

پس از چندی اسارت در باغشاه در ذی قعدة ۱۳۲۶ فرمان آزادی او پس از اخذ مبلغی پول صادر می‌شود «... همچنین ۱۰ نفر دیگر که از ۱۰ ژوئیه در زندان باغشاه به سر می‌بردند، بخشوده شده‌اند و در میان آنها مستشار الدوله و کیل آذربایجان و نیز حاج محمد تقی بنکدار که در ۱۹۰۶ در میسیون انگلیس بست نشسته بود، دیده می‌شوند. لیکن عفو شدگان هنوز آزاد نشده‌اند و در باغشاه تا اخذ مبلغ معینی پول از هر کدام، نگه داشته می‌شوند.»^{۱۱}

پس از فتح تهران، در ذیحجة ۱۳۲۹، مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی سوء قصد نافرجام ماند «... شب عید قربان هجده نفر به خانه حاجی محمد تقی بنکدار رفته او را از پهلوی عیالش بیرون کشیده، پنج تیر به او زدند، ولی تا الان که ۱۱ ذیحجه است نمرده است، تا بعد چه شود.»^{۱۲} نوشته‌اند که دست دموکراتها در این ترور در کار بود. در جریان قرارداد ۱۹۱۹ و توفیق الدوله با انگلیس، او که از مخالفان قرار داد بود دستگیر و مدتی زندانی شد. در سال ۱۳۰۴ خورشیدی نماینده مردم تهران در مجلس مؤسسان بود و پس از آن در دوره های ششم، هشتم و نهم نماینده مجلس شورای ملی بود.

پی‌نویس‌ها

۱ - یحیی دولت آبادی. حیات یحیی، ج ۲ انتشارات عطار و فردوسی، (تهران ۱۳۶۱)، ص ۷۲.

۲ - همان جا، پانویس.

۳ - ناظم الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱ به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی (انتشارات آگاه و نوین، تهران ۱۳۶۲)، ص ۵۳۹.

۴ - ابراهیم صفایی. رهبران مشروطه، ج ۱، (انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۶۳)، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۵ - همان جا، ص ۱۸۱.

۶ - ناظم الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۵۹۰ - ۵۹۱.

۷ - عبدالله بهرامی. خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا (انتشارات علمی تهران ۱۳۶۳) ص ۷۵.

۸ - همان، ص ۷۹.

۹ - بنگرید به: سند شماره ۱.

۱۰ - حاجی میرزا احمد تفرشی حسینی.

روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران.

به کوشش ایرج افشار، (انتشارات

امیرکبیر، تهران ۱۳۵۱)، ص ۱۱۳ - ۱۱۴

۱۱ - کتاب نارنجی: گزارشهای سیاسی

وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب

مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری.

ص ۶۴/ (نشر نور، تهران ۱۳۶۶)، ص

۶۴.

۱۲. سیدعلی محمد دولت آبادی.

خاطرات سیدعلی محمد دولت آبادی.

(ص ۱۵۴) (انتشارات فردوسی و ایران و

اسلام، تهران ۱۳۶۳)، ص ۱۵.

سندها

سند شماره ۱

به مقام منبع محاکمات وزارت

جليلة خارجه

در خصوص طلب بانک شاهنشاهی از اینجانب ابلاغ فرموده بودید. مکرر عرضه داشته با این وضع حالیه ایران خصوصاً سوخت هفتاد هزار تومان مطالبات در بازار که زیاده از سی هزار تومان او را خود بانک به عهده تأخیر انداخته صدمه وارده بر حقیر عمده از این مسئله است که در اداء طلب بانک معذورم، در صورتی که بانک استقراضی روس طلب عمده‌ای از حقیر دارد و پرداخت آن ممکن نیست، به علاوه به جهت خرجی یومیه خود معظلم. چون دوستی تامی با بانک مزبور دارم بنابراین دوستی ما یک [؟] یکدستگاه عمارت مفصله ملکی خود را واقعه در شهر (یزد) را:

خرپله و بهار بند [یک] دستگاه -

عمارت بیرونی [سه] دستگاه -



No. 98.

His Excellency
The Minister of Foreign Affairs,
Tehran.

Your Excellency,

We have the honour to remind you that Hajj Mohammed Tegni Stambouli's debt to the Bank still shows a balance of Rs. 33,513-05, and that no payments on account have been made to us for some considerable time past.

We shall be glad if you would kindly use your best endeavours to collect the balance for us in compliance with your promise.

We have the honour to be,
Your Excellency's
Obedient Servants,

[Signature]

سند شماره ۴

[عرضحال محمد حسین کرمی به وزارت امور خارجه]
- وزارت امور خارجه، نمره ۳۲۵، نمره به تاریخ ۵ صفر ۱۳۳۱.

مدعی :

اسم : مهدی محمد حسین کرمی
معروف به تبریزی
شغل : تجارت
محل اقامت : دروازه قزوین نزدیک
خیابان بلورسازی خانه نمره ۴۰

مدعی علیه :

اسم : حاجی محمد تقی بنکدار

شغل : تجارت

محل اقامت : نزدیک سید

ناصرالدین قرب حمام حاجی رحیم خان

مدعا به

این سند مبلغ یکهزار و هشتصد تومان به موجب سند از حاجی محمد تقی بنکدار طلبکار بودم. ششصد تومان از وجه مزبور را پرداخته و در پشت سند انداخته است، یکهزار و دو صد تومان بقیه را هنوز نپرداخته، در تأدیة آن تسامح و تعلل می ورزد. مستدعی است رسیدگی و احقاق حق فرمایند.

[مهر] وزارت امور خارجه

آقا محمد کریم قناد، حدی به خانه اکبر حسن و خانه جواد، حدی به خانه استاد محمد حسین خیاط.

که از حاجی محمود تاجر یزدی خریداری کرده ام و مشارالیه از [ملا؟] عبدالرحمن مصباح دیوان ایتیاع نموده است، از بابت بدهی خود به بانک واگذار می کنم. چون عهداً اتیاع خارجه و بانکها نمی توانند زیاده از آنچه که در عهدنامه مصرح است ایتیاع نمایند و بانک شاهنشاهی هم برای موقع بانک مکان مخصوصی به مالکیت داراست. محاکمات صلاح [؟] دانست که خانه مزبور را به فروش رسانیده و قیمت آن را به بانک بپردازد، به رضای حاجی محمد تقی بنکدار. لهذا مستدعی است به حکومت یزد امر مؤکد شود که تحقیقات لازمه در این موضوع به عمل آورده، چنانچه خانه ملک حاجی مشارالیه است مظنة قیمت عادلانه آن را تحصیل نموده به محاکمات وزارت خارجه اخطار فرمایند که به رضای خاطر حاج معزی الیه به فروش رسانیده قیمت با اطلاع محاکمات به بانک شاهنشاهی ظاهر گردد.

[امضاء] ۱۱ ذیحجه

اندرونی [یک] دستگاه - حمام سرخانه [یک] دستگاه - باغچه قلمستان [یک] دستگاه

لازم دانسته است دعای شود عمارت مزبور را در عوض کلیة سند معزی الیه کارسازی و به اسم هر که میل دارند قبالة نموده، قبض خود را رد و قبالة عمارت مزبور را دریافت دارند، چون غیر از عرض مزبور پیشرفت هیچ گونه امری از حقیر نیست به عرض مبارک رساندم. زیاده جسامتی ندارد.

افل الحاج محمد تقی بنکدار
سند شماره ۲

۱۲ شهر ذیحجه ۱۳۲۸

خدمت ذی شوکت جناب مستناب اجل اکرم آقای وزیر امور خارجه دام اجلاله العالی

محترماً خاطر شریف را متذکر می شوم به اینکه از بدهی جناب حاج محمد تقی اسلامبولچی به بانک شاهنشاهی هنوز مبلغ سه هزار و سیصد و پنجاه و یک تومان و سه هزار و یک شاهی باقی است و از چندی قبل به این طرف از آن بابت دیناری نپرداخته اند. خوشوقت خواهم شد اگر لطفاً اهتمام بلیغی بفرمایید که این تنمه به موجب وعده ای که کرده اید به حیطة وصول درآید.

زیاده عرضی نیست
سند شماره ۳

[از محاکمات وزارت امور خارجه به وزارت داخله]

وزارت امور خارجه، نمره ۲۱۱۱، تاریخ خروج ۱۴ ذی حجه ۱۳۲۸.

رقم محاکمات به وزارت داخله . حاجی محمد تقی بنکدار مبلغ سه هزار و سیصد و پنجاه و یک تومان و سه هزار دینار به بانک شاهنشاهی مقروض است. بنا به اظهار بانک حاجی مشارالیه احضار و مطالبه شد، جواب می دهد خانه در یزد به حدود ذیل دارم:

حدی به شارع عام، حدی به خانه

زید اجلاله، ایام شوکت مستدام باد
الاحقر صدر العلما
محسن الحسنی الحسینی
[حاشیه:]

اداره محاکمات این دو صورتی که
آقای آقا میرزا محسن نوشته اند منصفانه
به نظر می آید، به یکی از دو صورت قرار
ختم کار را بدهند.

سند شماره ۷

[سفارت انگلیس در تهران، ۲۶]

رمضان ۱۳۲۹]

فدایت شوم

کمپانی انگلیسی موسوم به لاورسل
مبلغ چهارصد و هفتاد و شش لیره
انگلیسی [و] هفده شیلینگ [و] هفت پنس
و مبلغ دو هزار و چهارصد و آنود فرانک
[و] شصت سانتیم به موجب سندهایی که
صورت آن ذیلاً نگاشته می شود از حاجی
محمدتقی بنکدار ادعا و مطالبه می نمایند:
سند نمبر ۲۴۲۶ : ۱۲۰ لیره
انگلیسی [و] ۴ پنس. به امضای سید
رضای رضوی

سند نمبر ۲۵۴۵ : ۱۲۵ لیره
انگلیسی [و] ۳ شیلینگ [و] ۱۱ پنس به
امضای ایضاً

سند نمبر ۳۷۴۶ : ۱۵۱ لیره
انگلیسی [و] ۱۴ شیلینگ [و] ۷ پنس به
امضای ایضاً

نمبر ۲۷۱۶ : ۸۱ لیره [و] ۱۸

شیلینگ [و] ۹ پنس. به امضای میرزا

رضای بنکدار.

نمبر ۲۷۱۷ : ۲۴۹۰ فرنک [و] ۶۰

سانتیم. به امضای میرزا رضای بنکدار

خواهشمند است برای روز سه شنبه

آتی اشخاص مزبور را مقرر فرمایید در

مجلس حاضر شوند که به این کار

رسیدگی شود.

زیاده مزاحمت نمی افزاید



سند شماره ۵

[سواد نامه محمدتقی بنکدار به
وزارت امور خارجه، نمرة و تاریخ ندارد]
در خصوص دوهزار و پنجاه و نه
فرانک [و] هفتاد سانتیم سند مسیو آنسلم
از اینجانب قرار بر این شد که الامدت
یک ماه پانصد و پانزده فرانک که ربع
وجه مذکور است در وجه سفارت
جمهوری فرانسه کارسازی داشته و سند
آقا سید رضای رضوی را دریافت دارم.
در خصوص حساب مسیو وارن و پوانته هم
که ۸۱ لیره [و] چهل و چهار قروش است،
قرار شد آن را هم از قرار صدی بیست و
پنج که ربع است بعد از مدت چهارماه
ربع او را کارسازی داشته و سند آقا
سیدرضا را دریافت دارم تا واضح باشد.

۲۳ شهر رجب ۱۳۳۴

صحیح است اقل الحاج: محمدتقی

بنکدار

[مهر] محمدتقی

سند شماره ۶

[نامه صدر العلما]

به عرض عالی می رساند مشهدی
حسین ترک که مدعی تبعیت دولت
انگلیس است نهصد تومان از جناب